

چرا وگن شویم؟

روش‌های مدرن دامداری‌های باعث شده‌اند حیوانات در شرایطی زندگی کنند که بیشتر مردم حتی تصورش را هم نمی‌کنند. سوءاستفاده‌ها و بدرفتاری‌هایی که در این فصل برای شما تعریف می‌کنیم، در صنعت دامپروری استثناء نیستند. خیلی از آنها رفتار قانونی و استاندارد با حیوانات محسوب می‌شوند. در این فصل مشاهداتی را هم آورده‌ایم که از تحقیقات بازرسان مخفی گرفته شده است، این مشاهدات باعث شد که چشم امریکایی‌ها به روی واقعیاتی تکان دهنده درباره اعمال قانونی یا غیرقانونی رایج در دامپروری‌ها، یعنی جایی که گوشت مصرفی را پرورش می‌دهند، باز شود.

به اعتقاد ما اگر شما هم از این واقعیات باخبر شوید، ضرورت وگن شدن را بیشتر از پیش احساس خواهید کرد.

بعضی از اطلاعات مندرج در این کتاب از مواد منتشر شده توسط خود صنعت دامپروری تأمین شده‌اند، و بعضی دیگر حاصل بازرسی مخفی فعالان موسسات غیرانتفاعی است. برای یافتن اطلاعات بیشتر و تماشای فیلم‌هایی که در طی این بازرسی‌ها تهیه شده‌اند، می‌توانید به این وبسایت‌ها مراجعه کنید:

■ انجمن انسان‌دوستانه ایالات متحده HSUS www.humanesociety.org

■ جمعیت طرفداران برخورد اخلاقی با حیوانات PETA www.peta.org

■ ترحم برای حیوانات www.mercyforanimals.org MFA

■ مهرورزی به جای کشتن www.cok.net COK

همین طور می‌توانید برای دیدن فیلم‌های تهیه‌شده از بازرسی‌های انجام شده در دامپروری‌ها به وبسایت www.veganoutreach/video.org به آدرس Vegan Outreach مراجعه کنید.

زندگی در یک دامداری امروزی

فیلم‌ها و عکس‌های تهیه‌شده توسط صنعت دامداری، تصاویری از جایگاه‌های تمیز و حیواناتی که از آنها به‌خوبی مراقبت شده و در سلامت کامل هستند، به مخاطبان عرضه می‌کنند. اما در بازرسی‌های انجام‌شده توسط فعالان حمایت از حیوانات گوشه دیگری از این داستان برملا می‌شود و تصویر واقعی زندگی در دامداری‌ها را به شکل محل زندگی آلوده، پرندگان که پره‌هایشان ریخته و حیواناتی که از زخم‌ها و جراحات رنج می‌برند، می‌بینیم. هرچند دشوار بتوان فهمید یک دامداری عادی به چه شکل است، هر روز اطلاعات جدیدی از گروه‌های فعال حیوانات به دست‌مان می‌رسد که همگی ناخوشایند هستند. همچنین پیوسته خبرهایی در مورد بدرفتاری و ستم به حیوانات دریافت می‌کنیم، با این وجود سخنگویان صنعت دامداری اصرار دارند که این اتفاقات نادر و غیرمتعارف بوده‌اند.

مردم دوست ندارند بشنوند که کارکنان دامداری‌ها یا سلاخ‌خانه‌ها عمداً و بی‌جهت حیوانات را زجر می‌دهند. حقیقت اینست که وقتی کسی کارش «فراوری» هزار حیوان در روز برای تهیه غذا باشد، دیگر نسبت به «محصول» بی‌تفاوت می‌شود. Peta در سال ۲۰۰۸ بازرسان مخفی خود را به شرکت **Aviagen Turkeys Inc** که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های پرورش‌دهنده بوقلمون در سراسر دنیاست، فرستاد. در فیلم‌هایی که این بازرسان تهیه کردند می‌بینیم که کارگران بوقلمون‌ها را لگدکوب می‌کنند، به آنها مشت می‌زنند، اشیائی مثل سطل رنگ و انبردست را به سمت‌شان پرت می‌کنند و سر آنها را به کف فلزی ساختمان می‌کوبند. به‌علاوه به زور به آنها مدفوع می‌خورانند و سرشان را زیر آب ننگه می‌دارند¹.

سرپرست این شرکت تولیدی برای پاسخگویی به همین موارد احضار شد و او در جواب گفت که «هر از گاهی یکی از کارکنان ناراحت می‌شود و ناچار پرنده‌ای را می‌کشد».

شاید مسئولان این شرکت‌ها بر روی بعضی اعمال‌شان سرپوش بگذارند، اما در مورد صحبت از روال‌های رایج کاری‌شان که در این فصل به آن می‌پردازیم، هیچ‌گونه ابا و پرده‌پوشی ندارند. در تمام روش‌های رایج در دامداری‌های مختلف، سه مولفه اصلی را می‌شود تشخیص داد که هدف از به‌کار بستن هر سه، بالا بردن ظرفیت تولید و پایین آوردن هزینه‌هاست:

1. در دامداری‌های بیشترین تعداد ممکن حیوانات در یک فضای محدود جای داده می‌شوند. فشرده نگاه داشتن حیوانات باعث صرفه‌جویی در زمین می‌شود، و علاوه بر این چون حیوانات نمی‌توانند حرکت کنند، در نتیجه به کمتر غذا می‌خورند (برای کاستن از نیاز تغذیه‌ای حیوانات، حتی از تغییر نور محیط هم استفاده می‌شود). قفس‌هایی که مرغ‌های تخم‌گذار در آن نگهداری می‌شوند آنقدر کوچکند که آنها نمی‌توانند بال‌های‌شان را باز کنند. خوک‌های پرورشی عمدتاً نمی‌توانند در محفظه‌های تنگ نگهداری‌شان یک دور بزنند.

صنعت دامپروری نگهداری از حیوانات در محیط‌های فشرده را انکار نمی‌کند. به کرات و در نشریه‌های این صنعت تصویرهایی از شرایط نگهداری این حیوانات مشاهده می‌کنیم، در حالی که نویسندگان این مطالب اصرار دارند که این شرایط نگهداری ظالمانه نیست و علاوه بر این ضروری هم هست. دامداران به تأکید می‌گویند که در این شرایط تنگ و پر ازدحام به بهداشت و سلامت حیوانات رسیدگی می‌شود و گرنه این شیوه غیراقتصادی خواهد بود. اما حقیقت اینست که حتی اگر چپاندن حیوانات در محیط‌های تنگ، باعث شود که بعضی از حیوانات از فرط ازدحام بمیرند، باز از جهت اقتصادی به صرفه‌تر از اختصاص فضای حرکت به هر حیوان است.

2. در دامداری‌ها سعی می‌شود با مداخله ژنتیکی، تزریق هورمون و استفاده از آفت‌کش‌ها حیوانات بزرگ‌تر و چاق‌تری پرورش داده شود. سرعت رشد (یا تولید شیر و تخم‌مرغ) در این حیوانات به شکل غیرطبیعی بالا برده می‌شود. همین امر باعث فشار آمدن به اندام‌های آنان می‌شود، و اکثر حیوانات دامداری‌های دچار جراحی، التهاب یا ورم مفاصل هستند. بدن گاوهای شیرده بعد از چند سال زایش و شیردهی مرتب، چنان نحیف و بی‌توان می‌شود که حتی نمی‌توانند راه بروند، و برای بردن این گاوها به سلاخ‌خانه، آنها را لگد می‌زنند یا به زور روی زمین می‌کشند.

3. حیواناتی که به کار تولید محصول نمی آیند، به بی‌رحمانه‌ترین وجه معدوم می‌شوند. گاهی این حیوانات ضعیف یا مریض در قفس‌های خود می‌میرند. آنهایی هم که به مقدار مورد انتظار محصول تولید نمی‌کنند، به سلاح‌خانه فرستاده می‌شوند یا در همان دامداری کشته می‌شوند. در بعضی از فیلم‌های تهیه‌شده توسط بازرسان مخفی می‌بینیم که این حیوانات را آنقدر می‌زنند تا بمیرند.

مرغ‌های تخم‌گذار

زندگی مرغ‌های تخم‌گذار در ماشین جوجه‌کشی شروع می‌شود. بعد از درآمدن از تخم، جوجه‌های نر جدا شده، و کشته می‌شوند. در سال ۲۰۰۹ بازرسان مخفی موسسه ترحم برای حیوانات (MFA) به صورت مخفی به شرکت بین‌المللی هایلین واقع در اسپنسر ایووا رفتند که بزرگ‌ترین مرغداری دنیا است. آنها فهمیدند که شیوه رایج برای معدوم کردن جوجه‌های نر در این کارخانه اینست که آنها را به داخل یک ماشین چرخ‌گوشت مانند می‌اندازند، و یک مته چرخشی بدن این پرنده‌های کوچک را، پیش از اینکه توسط وزنه‌های سنگین آسیاب له شوند، پاره‌پاره می‌کند. در مرغداری‌های دیگر جوجه‌های نر را در سطل آشغال‌های بزرگ می‌اندازند و رهانشان می‌کنند تا خفه شوند یا بمیرند.

حدود یک سوم تا نیمی از منقار جوجه‌های ماده بریده می‌شود تا نتوانند در قفس‌های شلوغی که قرار است بقیه عمرشان را در آن بگذرانند، یکدیگر را نوک بزنند. این درحالی است که منقار مرغ‌ها اعصاب حساسی دارد، و آزمایش‌ها نشان داده‌اند که درد ناشی از بریدن بخشی از منقار حدود پنج تا شش هفته پرنده را آزار می‌دهد.²

به صورت معمول، چهار تا شش مرغ (و گاهی بیشتر) در قفسی که به اندازه یک مایکروفر معمولی است، نگهداری می‌شوند. آنها روی سیم‌هایی می‌نشینند که پوست پاهای‌شان را می‌برد و پره‌های‌شان را قیچی می‌کند، و زمانی که این جوجه‌ها بزرگ می‌شوند، فضای این قفس آنقدر برای‌شان تنگ می‌شود که حتی نمی‌توانند بال‌های‌شان را باز کنند.

وقتی که هزاران مرغ در مرغداری‌ها به این شکل زندگی می‌کنند، دیگر مرغ و زندگی چند تاشان اهمیتی ندارد. خیلی از اوقات پنجه‌های این مرغ‌ها اطراف سیم‌ها رشد می‌کند و آنها درون قفس گیر می‌افتند، یا ماشین‌های اتوماتیکی که قرار است آب و غذا را به آنها برساند درست کار نمی‌کنند، و در نتیجه از بی‌آبی و بی‌غذایی می‌میرند. خیلی دیگر هم به دلیل گاز آمونیاک متصاعد شده از مدفوعات انباشته شده در پایین قفس‌ها خفه می‌شوند. با دستکاری در ژنتیک و تغذیه مرغ‌ها، گاهی اندازه تخم‌مرغ‌ها آنقدر بزرگ می‌شود که مجرای

تخم‌گذاری مرغ‌ها در زمان تخم‌گذاشتن از بدن‌شان بیرون می‌زند. به این عارضه لوله فالوپ پایین‌افتاده می‌گویند، که باعث خونریزی، عفونت و سپس مرگ پرنده می‌شود.

مرغ‌ها حدود یک تا دو سال در این شرایط زندگی می‌کنند، تا زمانی که مقدار تخم‌گذاری‌شان کم شود، در آن زمان از قفس بیرون آورده شده و کشته می‌شوند. مرغ‌هایی که به قفس می‌چسبند و در برابر بیرون آمدن مقاومت می‌کنند را با زور از قفس بیرون می‌کشند، و به دلیل اینکه استخوان‌های آنها در اثر تخم‌گذاری مرتب و کمبود کلسیم شکننده شده است، خیلی از آنها در حین این عملیات جابجایی دچار شکستگی استخوان می‌شوند.³

مرغ‌های تخم‌گذار گاهی اوقات به سلاخ‌خانه فرستاده می‌شوند، اما گاهی کیفیت گوشت آنها به دلیل تخم‌گذاری مرتب آنقدر پایین است که قابل استفاده در صنعت گوشت نیست. مشاهده شده است که در یک مرغداری، مرغ‌های «مصرف شده»¹ (این اصطلاحی است که در مرغداری‌های به کار می‌رود) را در یک دستگاه مخصوص خرد کردن چوب می‌انداختند و تکه‌های آنها را به عنوان پس‌ماند دور می‌ریختند.

دی‌اکسید کربن یکی از عوامل مرگ مرغ‌های «مصرف شده» است. تجمع ۳۰ درصدی یا بیشتر این گاز باعث مرگ حتمی پرندگان می‌شود و آزمایش‌ها نشان داده‌اند که پرندگان در این حالت دچار درد و اضطراب ناشی از حس خفگی می‌شوند.

وقتی مرغ‌ها از مرغداری‌ها بیرون آورده می‌شوند، فضله انباشته در این مکان رفته می‌شود، سپس جوجه‌های جدید را جای آنها می‌گذارند و این چرخه از نو تکرار می‌شود.

بازرسی‌های مخفی از مرغداری‌های تولید تخم مرغ

مایکل فودز یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید کننده تخم مرغ در امریکاست که نیاز روزانه بسیاری از رستوران‌های زنجیره‌ای مثل دانکین دوناتز را تأمین می‌کند. در سال ۲۰۰۹، بازرسی از موسسه مهرورزی به جای کشتن (COK) در قالب یک کارگر به مرغداری این شرکت وارد شد و نمونه‌های فراوانی از سوءرفتار با این حیوانات را ثبت کرد. از جمله:

i spent

- مرغ‌ها بعد از مدتی ایستادن روی سیم قفس، فلج می‌شوند و دیگر نمی‌توانند آب و دانه بخورند.
- در قفس مرغ‌ها، لاشه مرغ‌های مرده که در حال گنبدیدن‌اند، یا حتی حالتی شبیه مومیایی پیدا کرده‌اند، به حال خود رها شده‌اند. در حالی که در کنار آنها مرغ‌ها زنده همچنان به حیات، و البته تخم گذاشتن برای مصرف انسان‌ها ادامه می‌دهند.
- یک کارگر مرغداری سر مرغی را از بدنش جدا می‌کند.
- مرغ‌ها از زندگی در محل شلوغ، پر ریختگی و زخم‌های مداوم نشده رنج می‌برند.

دکتر ایان دانکن، دارنده کرسی حقوق حیوانات در دانشکده دام و ماکیان دانشگاه گلف در کانادا با دیدن این فیلم‌ها گفت که از وضعیت لاشه مرغ‌ها مشخص است که بیش از یک هفته در قفس مانده‌اند، و ممکن است به دلیل عدم دسترسی به آب و غذا، با زجر و عذاب مرده باشد.⁴

در دو سال بعد از آن هم MFA وضعیت مشابهی را در دو مرغداری بزرگ دیگر، Quality Egg در نیوانگلند ترنر، مین⁵، و Norco Ranch در منفی کالیفرنیا⁶ ثبت کرد. مشاهده بعضی از این موارد در یک مرغداری عادی به شمار می‌آید (مواردی مثل زندانی کردن مرغ‌ها در قفس‌های سیمی که نمی‌توانند در آن راه بروند، بال‌های‌شان را باز کنند یا حتی عادی‌ترین رفتارهایی که جزو عادت‌های روزانه یک مرغ معمولی است را انجام بدهند)، اما در موارد دیگر حتی مرغ‌هایی با بدن خونی و زخم‌هایی که باز مانده بودند، کارگرانی که با لگد مرغ‌های زنده را به روی تل فضله‌ها شوت می‌کردند یا داخل سطل آشغال می‌انداختند هم مشاهده شد. در هر دو مکان مشاهده شد که کارگران برای کشتن مرغ‌ها آنها را آنقدر در هوا تاب می‌دهند تا گردن‌شان بشکند.

ماکیان‌های پرورش داده‌شده برای مصارف گوشتی

منقار مرغ‌های گوشتی و بعضی وقت‌ها بوقلمون‌ها هم درست مثل مرغ‌هایی که برای تخم‌مرغ پرورش داده می‌شوند، در زمان جوجگی چیده می‌شود.⁷ حتی گاهی کشاورزان لبه منقار اردک‌ها را هم می‌چینند (و گاهی برای این کار از قیچی استفاده می‌کنند)⁸. معمولاً انگشت بوقلمون‌ها را بدون استفاده از داروی بی‌حسی یا جلوگیری از آسیب به بخش‌های دیگر پا می‌برند.⁹ در بازرسی PETA از انبار شرکت

Aviagen Turkeys مرغ‌هایی را مشاهده شد که نوک‌شان با سیم‌چین بریده شده بود، و پرنده‌هایی بودند که به دلیل خستگی مفرط یا ایست قلبی مرده بودند¹⁰.

معمولاً در دامداری‌ها آن مرغ‌هایی را برای پرورش انتخاب می‌کنند که به صورت ژنتیک بزرگ‌تر و چاق‌ترند، و با افراط در این کار این مرغ‌ها آنقدر بزرگ شده‌اند که فلج شده‌اند و نمی‌توانند راه بروند. بازرسی که در سال ۲۰۰۳ از طرف COK به یک مرغداری رفته بود، مرغ‌هایی را دید که به دلیل افلیج شدن پا قادر به راه رفتن نبودند، و همچنین مرغ‌هایی را مشاهده کرد که در ظرف غذای خود گیر کرده بودند. در یک تحقیق که در مورد این نقص‌ها در اندام حیوانات انجام گرفته بود، دیده شد پرنده‌های فلج بیشتر از پرنده‌های سالم به خوردن غذاهایی که با داروی بی‌حسی آغشته شده، تمایل دارند؛ از این مشاهده می‌توان نتیجه گرفت که این پرنده‌ها درد می‌کشند. همچنین در بازرسی COK معلوم شد که مقدار آمونیاک در هوای مرغداری‌ها می‌تواند باعث آسیب رساندن به چشم و ریه مرغ‌ها شود¹¹.

پاته جگر پرچربⁱ

پاته جگر پرچرب (فوآگرا)، که از جگر چربی‌دار شده اردک یا غاز درست می‌شود، جزو غذاهای مرسوم در رژیم غذایی آمریکایی‌ها نیست، اما نمونه خوبی برای نشان دادن حداعلاهی بی‌رحمی است که در صنعت گوشت رخ می‌دهد و قانونی هم محسوب می‌شود. برای تولید جگر چرب، اردک‌ها و غازها را به زور و با لوله‌ای که در گلوی آنها قرار داده می‌شود، تغذیه می‌کنند.

در سال ۲۰۰۸ یک بازرس از COK توانست فیلمی از شرایط موجود در محل تهیه جگر چرب Hudson Valley در فرندیل نیویورک تهیه کند. در این فیلم می‌بینیم که لوله‌های سی سانتیمتری را در گلوی اردک‌ها فرو می‌برند و از طریق آن غذا را به زور در معده آنها می‌ریزند¹².

خوک‌ها

بیشتر خوک‌های عمر خود را در محفظه‌هایی می‌گذرانند که از فرط کمی جا نمی‌توانند در آن بچرخند¹³. آنها عمدتاً روی نرده‌های فلزی یا کف‌های سیمانی و در میان ادرار و مدفوع خود زندگی می‌کنند. این خوک‌های

رفتارهایی مثل کوبیدن متناوب سرشان به دیواره قفس یا گاز گرفتن میله‌های فلزی بروز می‌دهند، و در هر سال حدود ۲۰ درصد آنها پیش از موعد و به دلیل فلج شدن کشته می‌شوند¹⁴.

خوک‌های غیرپرورشی که برای گوشت پرورش داده می‌شوند از محیط نسبتاً بازتری برای زندگی برخوردارند و حداقل می‌توانند دور خودشان بچرخند. اما شرایط زندگی آنها هم سخت و ظالمانه است و هوایی که تنفس می‌کنند آغشته به گاز آمونیاک است. به همین دلیل یکی از دلایل عمده مرگ خوک‌های گوشتی را بیماری‌های دستگاه تنفسی تشکیل می‌دهند¹⁵. در پرورش آنها هم درست مثل پرورش مرغ، بر گونه‌های چاق‌تر و بزرگ‌تر تأکید می‌شود، تا حدی که بدن بسیاری از آنها طاقت این وزن اضافی را نمی‌آورد، و در نهایت فلج می‌شوند.

در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ PETA و MFA به طور مخفیانه به سه دامداری مخصوص پرورش خوک سر زدند و نمونه‌های فراوانی را یافتند که مصداق بدرفتاری با حیوانات بود. کارگران از پوزه، گوش یا پای خوک‌های زخمی می‌گرفتند و آنها را از محل نگهداری‌شان خارج می‌کردند و بعد با چکش بادی مخصوص می‌کشتند؛ یا دم توله خوک‌ها را می‌بریدند و آنها را بدون استفاده از داروی بی‌حسی اخته می‌کردند.

در فیلمی که از یکی از این مراکز تهیه شده است می‌بینیم که مسئول دامداری می‌گوید گاهی با خشونت تمام خوک‌ها را کتک زده است. از تفریح‌های خشن دیگری که در این مراکز رواج دارد می‌شود می‌توان به کتک زدن خوک‌ها توسط کارگران، ضربه زدن به چشم‌های آنها، فرو کردن چوب در واژن خوک‌های ماده و رنگ کردن پوزه ماده خوک شیرده با اسپری رنگ اشاره کرد. خوک‌های جوانی که با گاز کشته می‌شوند، گاهی در زمان باز شدن محفظه گاز هنوز زنده‌اند. گاهی دیده می‌شود که کارگرها توله خوک‌ها را به هوا پرتاب می‌کنند و هیچگونه خوک‌هایی که دچار کیست، جراحت یا پایین افتادگی لوله فالوپ می‌شوند، درمان نمی‌شوند^{16 17 18}.

گاوهای شیرده

بیشتر گاوهای شیرده در کنار آخورهای بزرگ بسته می‌شوند، و به ناچار روی بستری از گل و مدفوع و گله پشه‌ها زندگی می‌کنند. برای بالا بردن مقدار شیر، این گاوها مرتب حامله می‌شوند و بلافاصله بعد از تولد گوساله‌های‌شان را از آنها جدا می‌کنند، که این کار باعث ناراحتی شدید گاو مادر و گوساله تازه به دنیا آمده‌اش می‌شود.

بنا بر آمار USDA، متوسط تولید سالانه شیر گاو از دو تَن در ۱۹۴۰ به ده تن در حال حاضر رسیده است.¹⁹ بدن گاوهای شیرده به خاطر تولید این حجم زیاد شیر چنان فرسوده می‌شود که در زمان برده شدن به سلاخ‌خانه (یعنی وقتی که تولید شیر آنها کم می‌شود و فقط به درد کشته‌شدن می‌خورند)، بسیاری از این گاوها «تلف» می‌شوند و قادر نیستند راه بروند. پس کارگران آنها را به صورت توده‌ای در گوشه‌ای رها می‌کنند تا خودشان بمیرند.

در سپتامبر ۲۰۰۹ PETA فیلمی را منتشر کرد که از تأسیسات تولید لبنیات پنسلوانیا که مواد اولیه شرکت O'Lakes را فراهم می‌کند، تهیه شده بود. این فیلم که در طی چند ماه گرفته شده بود، شرایط زیست‌آلوده گاوها در دامداری‌ها، و آغل‌هایی که چندین سانتیمتر پهن در آنها جمع شده بود و باعث بروز بیماری‌هایی در پا و سم گاوها شده بود را نشان می‌داد. بعضی از این گاوها آنقدر بیمار بودند که از حال رفته بودند. همچنین در فیلم گاوهایی را دیدیم که از فرط بیماری و ضعف نمی‌توانستند روی پای خود بایستند. گوساله‌هایی که از این دامداری نجات پیدا کرده بودند همگی به بیماری‌هایی مثل ذات‌الریه، التهاب قرنیه‌ای ملتحمه‌ای عفونی و انگل‌هایی مثل کرم حلقه‌ای مبتلا بودند. بعضی از گاوها در این محل از مشکلات تنفسی رنج می‌بردند و در بعضی دیگر چرکی که از سوراخ‌های بینی شان ترشح می‌شد، تمام صورت‌شان را پوشانده بود.²⁰ در این مکان‌ها برای راحت‌تر کردن کار شیردوشی دم گاوها را قطع می‌کنند، به این ترتیب که انتهای دم را با نواری لاستیکی محکم می‌بندند که باعث می‌شود بافت و پوست انتهای دم به آهستگی بمیرد و خودش بیفتد. اما این عمل باعث می‌شود حیوان نتواند حشرات را از روی پوست خود بتاراند. حتی در یک مورد دیده شد که کارگران برای قطع پستان مجروح و مبتلا به قانقاریای یک گاو، از روش نواری لاستیکی استفاده کرده بودند. این گاو یازده روز تمام زجر کشید و حالش روز به روز بدتر شد تا آنکه مرد.

در یک فیلم دیگر که در سال ۲۰۰۹، به شکل مخفی و توسط بازرس MFA از دامداری‌های شرکت Willet Dairy، بزرگ‌ترین دامداری ایالت نیویورک تهیه شد، گاوهایی را می‌بینیم که غدد شیردهی‌شان به خاطر تولید مفرط شیر، به نحو عجیبی و حیرت‌انگیزی بزرگ شده بود. در این فیلم همچنین می‌بینیم که گاوها به عوارضی مثل زخم‌های باز، رحم‌های پایین افتاده، زخم‌های عفونی شده و مفصل‌های آماس کرده دچارند. بعضی از این گاوها آنقدر ضعیف بودند که نمی‌توانستند روی پای خود بایستند، و در اطراف لاشه گاوها و گوساله‌های مرده به چشم می‌خورد.²¹

گوساله‌های شیریⁱ

گوساله‌های شیری معمولاً بلافاصله بعد از تولد از مادر خود جدا می‌شوند. بعضی از آنها به منظور پرورش گوساله‌های شیر-پرورⁱⁱ بزرگ می‌شوند²². آنها را در آغل با افسار می‌بندند، به نحوی که نمی‌توانند حرکت کنند. عدم حرکت و نیز تغذیه مایع و فاقد آهن این گوساله‌ها باعث می‌شود که گوشت‌شان نرم و کمرنگ شود. این گوساله‌ها پیش از فرستاده شدن به سلاخ‌خانه حدود شانزده تا هجده هفته به همین روش زندگی می‌کنند.

خیلی از گوساله‌ها هم در چند روزگی برای تولید «گوشت گوساله شیری»ⁱⁱⁱ کشته می‌شوند²³. این گوساله‌های تازه به دنیا آمده هنوز قادر به راه رفتن هم نیستند که به سلاخ‌خانه فرستاده می‌شوند. در یک گزارش مخفیانه که در سال ۲۰۰۹ توسط HSUS از سلاخ‌خانه گوساله‌های شیری در ورمونت تهیه شد، مشاهده می‌کنیم که کارگران با لگد و استفاده از باتون الکتریکی، گوساله‌های تازه به دنیا آمده را وادار به راه رفتن به سمت سلاخ‌خانه می‌کنند، و حتی گاهی به صورت گوساله‌ها آب می‌پاشند تا اثر باتون الکتریکی دردناک‌تر شود. حتی در بخش‌هایی از فیلم می‌بینیم که کارگران گوساله‌ها را، زنده‌زنده و در حضور بازرس USDA پوست می‌کنند²⁴. در موارد زیادی هم بی‌هوش کردن ناقص گوساله‌ها سبب می‌شود که آنها وقتی به صورت آویزان از پا به سمت تیغه‌ای که گلوی‌شان را می‌برد رانده می‌شوند، هنوز هوشیار باشند.

گاو پرواری

صنعت تولید گوشت گاو معمولاً تصویرهایی زیبا از گاوهای پرواری که با آرامش در سبزه‌زارها می‌چرند به ما نشان می‌دهد. شاید این گاوها برای حرکت کردن آزاد باشند، اما زندگی آنها هم خالی از درد و رنج نیست. بدن آنها با داغ، نشانه گذاری می‌شود و بدون استفاده از داروی بی‌حسی اخته می‌شوند. بعد از چند ماه زندگی در مرتع، این گاوها را در برابر آخورهای بزرگی می‌بندند، و دانه‌های نشاسته‌ای به آنها می‌خورانند تا زودتر پروار شوند. در مرتع Harris که در کوئیلینگای کالیفرنیا واقع است، بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ رأس گاو پرواری نگهداری می‌شود. این گاوها بر بستری از خاک آلوده با فضولات زندگی می‌کنند و بوی تعفن فضای زندگی آنها را از دوردست‌ها به مشام می‌رسد.

iVeel calves

iiMilk-fed veal

iiiBob veal

مرتع‌ها باعث می‌شوند زندگی حیوانات وحشی، خصوصاً آنهایی که از گوشت گاو تغذیه می‌کنند هم به خطر بیفتد. تنها در سال ۲۰۰۸، ۸۹۳۰۰ عدد کایوتⁱⁱⁱ توسط سازمان حفاظت از حیوانات و بهداشت USDA، به منظور حفاظت از گله‌های گاو کشته شدند. معمولاً حیوانات دیگری هم، مثل گاومیش‌های بومی پارک ملی یلواستون، به منظور جلوگیری از انتقال بیماری به گله‌های گاو به دست شکارچی‌ها یا ماموران دولتی کشته می‌شوند.

نقل و انتقال حیوانات

بیشتر سلاخ‌خانه‌ها در نقاط دورافتاده قرار دارند، و به همین علت باید حیوان‌ها را با کامیون به آنجا منتقل کنند. معمولاً از چند ساعت مانده به جابجایی، از دادن آب و غذا به این حیوانات خودداری می‌کنند. حیوانات در طی جابجایی در معرض گرما یا سرمای شدید، و خطر کشته‌شدن بر اثر تصادف قرار دارند. دست کم یک راننده کامیون اعتراف کرده است که گاهی این حیوانات را تا شش ساعت بدون آب در قسمت بار رها می‌کند. خیلی از این حیوانات در حین جابجایی می‌میرند، یا زمانی که به سلاخ‌خانه می‌رسند، آنقدر ضعیف شده‌اند که نمی‌توانند سرپا بایستند.²⁵

با حیواناتی که نمی‌توانند راه بروند، به طرز وحشتناکی بدرفتاری می‌شود. آنها را بارها با باتون‌های الکتریکی شوک می‌دهند، یا با زنجیر روی زمین می‌کشند. حیوانات نیمه‌جان را هم با کج‌پیل بلند می‌کنند و به صورت کپه‌ای در یک گوشه رها می‌کنند تا به آهستگی و تحمل درد و رنج بمیرند.

سلاخ‌خانه

جز در مورد ذبح به روش یهودی و اسلامی، در بقیه موارد قانون حکم می‌کند که حیوان باید پیش از کشته شدن بی‌هوش شود. این کار معمولاً توسط ضربه یک چکش بادی مخصوص انجام می‌گیرد. بر اساس تحقیقات، درصدی کوچک اما ثابت از این شلیک‌ها دچار خطا می‌شود. بنا بر قوانین موسسه گوشت امریکاⁱⁱ، بروز ۵ درصد خطا در کل شلیک‌ها، ایرادی ندارد²⁶. بر اساس یک تحقیق، در ۲۵ درصد از سلاخ‌خانه‌ها، ۹۵ تا

iii Coyote یا شغال آمریکایی. از خانواده گرگ سانان بومی قاره آمریکا

۹۹ درصد از شلیک‌هایی که به حیوانات می‌شود، در همان بار اول حیوان را بی‌هوش می‌کند. درصد حیواناتی که با شلیک اول بی‌هوش نمی‌شوند در کل کم است، اما تعداد آنها کم نیست. درصدها نشان می‌دهند که «فقط» ۱ تا ۵ درصد از دام‌ها کاملاً بی‌هوش نمی‌شوند، اما معنای آن اینست که در سال حدود ۳۴۵۰۰۰ تا ۱.۷ میلیون گاو، بیش از یک بار مورد اصابت گلوله بی‌هوشی قرار می‌گیرند، یا حتی در طی تمام مراحل ذبح هوشیار هستند.²⁷

تمپل گرندین، مشاور سلاح‌خانه گفته است: «متأسفانه شلیک درست و جلوگیری از شکاف برداشتن جمجمه [که برای جلوگیری از انتشار بیماری جنون گاوی از طریق نفوذ بافت مغز به گوشت ضروری است] هر یک لوازم و دستورالعمل‌های جداگانه‌ای دارند. برای جلوگیری از صدمه به جمجمه، شلیک باید به دقت و در نقطه‌ای کاملاً مشخص شده صورت بگیرد تا بی‌هوشی فوری صورت بگیرد، و شلیک اگر فقط کمی زاویه دار باشد ممکن است حیوان را در جا بی‌هوش نکند».²⁸

در مقاله‌ای با عنوان «گوشت مدرن: برداشت به شیوه‌ای بی‌رحمانه» که در سال ۲۰۰۱ در واشنگتن پست منتشر شد، واقعیت ناکارآمدی شیوه‌های بی‌هوش کردن حیوانات به روشنی آشکار شد:

«در سلاح‌خانه‌های امروزی، مثل جایی که رامون مونرو کار می‌کند، فقط بیست و پنج دقیقه طول می‌کشد تا یک گاو زنده به استیک تبدیل شود. او بیست سال است که به عنوان پابⁱⁱ کار می‌کند، یعنی باید پاهای عقبی لاشه‌های حیوانات را ببرد، که مقدار آن در هر ساعت به ۳۰۹ لاشه می‌رسد. حیواناتی که زیر دست مونرو هستند، باید پیش از آن کشته شده باشند، در حالی که اغلب چنین نیست. مونرو می‌گوید که «آنها پلک می‌زنند و صداهایی از خود در می‌آورند. سرهایشان تکان می‌خورد، چشم‌هایشان باز است و اطراف را نگاه می‌کنند».

با این وجود مونرو پاهای این حیوانات را می‌برد. او می‌گوید بعضی از روزها بدشانسی می‌آورد و تعداد زیادی از حیواناتی که به جایگاه او می‌رسند، هنوز زنده و هوشیارند. بعضی از این حیوانات حتی تا مرحله بریدن دم، شکافتن شکم و کندن پوست هم زنده می‌مانند، یا به گفته مونرو «ذره ذره می‌میرند».²⁹

معمولاً سرعت بالای خط کار در سلاح‌خانه‌ها باعث هوشیار ماندن حیوانات تا به انتهای خط می‌شود. کارگران تحت فشار کار، نمی‌توانند خط کار را برای رسیدگی به حیوانی که به دلیل خطا همچنان هوشیار باقی مانده است، متوقف کنند.

i «Modern Meat: A Brutal Harvest»

ii Second-Legger

دکتر دین وایات، ناظر سلامت عمومی دام در موسسه ملی USDA در شهادت خود در برابر شورای اصطلاحات و رسیدگی به خطاهای دولتی در مجلس نمایندگان، اعلام کرد که به چشم خود دیده است که گاوها را بر روی زمین کشانده‌اند و در گوشه‌ای بدون آب و غذا رها کرده‌اند تا بمیرند، و شاهد کشته‌شدن حیوانات بدون بی‌هوشی بوده است. دکتر وایات شهادت داد که او در موسسه خود و از طرف مدیران خود «به طور جدی تحت فشار قرار گرفته» است تا بیش از این وقتش را صرف اقدامات بیشتر برای تضمین رفتار انسانی با حیوانات نکند. او را به به اخراج تهدید کرده بودند، و سایر بازرسان هم به دلیل آنکه موارد خشونت و بدرفتاری با حیوانات را گزارش کرده بودند، در معرض مجازات، توبیخ و تنزل درجه قرار گرفتند.³⁰

سلاخ‌خانه طیور

در آمریکا قانونی برای لزوم بی‌هوش کردن یا بی‌حس کردن طیور (و خرگوش‌ها) در زمان ذبح وجود ندارد. البته پیش از کشتن مرغ‌ها، سر آنها را در آبی که در آن جریان الکتریسیته رد شده است فرو می‌کنند تا فلج شوند و کار کشتن‌شان راحت‌تر شود، اما این کار آنها را بی‌هوش نمی‌کند. ممکن است به دلیل خطای دستگاه (که زیاد پیش می‌آید)، سر مرغ‌ها در فرایند سلاخی بریده نشود، و آنها در زمان انداخته شدن به داخل منبع‌های آب جوش پَرکَنی کاملاً زنده و هوشیار باشند. در رویه USDA به این پرنده‌ها که به صورت زنده به داخل منبع پرکَنی انداخته شده‌اند، «جسد»^۱ می‌گویند و آنها را از خط بسته‌بندی خارج می‌کنند، چون مقدار زیادی خون در بدن آنها باقی می‌ماند و رنگ گوشت‌شان تیره است. بر اساس آمار USDA در سال ۲۰۰۸ حدود ۱ میلیون مرغ و بیشتر از ۳۰۰۰۰ بوقلمون به همین دلیل از خط تولید گوشت خارج شدند.³¹

یک بازرس PETA از دسامبر ۲۰۰۴ تا فوریه ۲۰۰۵ به صورت مخفی در خط کار سلاخ‌خانه طیور Tyson Food در هفلین آلاباما مشغول به کار شد، و با استفاده از دوربین مخفی به ما نشان داد که بر سر ۱۰۰۰۰۰ جوجه‌ای که هر روزه در این کارخانه کشته می‌شود، چه می‌آید:

- دستگاه‌های سلاخی که درست کار نمی‌کنند، به جای قطع کردن سر مرغ‌ها، بدن آنها را زخمی می‌کنند؛ در یک مورد دیده شد که پوست سینه یک مرغ درسته کنده شده بود.

- کارگران موظف هستند که با دست، سر مرغ‌هایی را که از دستگاه سلاخی جان سالم به در برده‌اند، بکنند.

- کارگران لاشه مرغ‌های نیمه‌جان را به این طرف و آن طرف پرتاب می‌کنند.

- مدیران مرغداری به بازرسان گفتند که اگر در هر شیفت کاری چهل لاشه مرغ زنده‌زنده در منبع پرکنی انداخته شوند قابل قبول است، و حتی اگر تعداد بیشتر از چهل عدد مرغ هم در هر شیفت کاری به سرنوشت جانکاه زنده پخته شدن در آب جوش دچار شوند، هیچ‌کس مواخذه نمی‌شود.³²

دو سال بعدتر، در فیلمی که توسط بازرس PETA از سلاخ‌خانه‌های Tyson در جورجیا و تنسی تهیه شده بود، صحنه‌های شوک‌آوری دیدیم که نشان می‌داد درجه بدرفتاری با حیوانات در این مکان، از قبل هم بیشتر شده است. در این فیلم مرغ‌هایی را دیدیم که به جای پا، از سر به قلاب‌ها آویزان شده بودند، پرنده‌هایی که در انتهای نوار نقاله گیر کرده بودند و کارگرها در حال ادرار کردن روی نوار نقاله بودند. ناظران کارگرها هم گاهی در این بدرفتاری‌های سهمیم می‌شدند و گاهی دیگر هیچ کاری برای بازداشتن کارگران انجام نمی‌دادند. در فیلم می‌بینیم که یک نفر می‌گوید هیچ اشکالی ندارد اگر سر پرنده‌هایی که از سر به قلاب متصل شده‌اند، از بدن‌شان جدا شود.³³

در یک بازرسی که MFA در سال ۲۰۰۷ از Raeford Farms، یکی از بزرگ‌ترین سلاخ‌خانه‌های طیور در آمریکا انجام داد، مشاهده شد که کارگران سر بوقلمون‌ها را با تاباندن آنها در هوا از بدن‌شان جدا می‌کنند، پرنده‌ها زیر چرخ‌های ماشین‌های باری له می‌شوند و یک کارگر بوقلمون‌های وصل شده به قلاب را با مشت می‌زند.³⁴

سلاخ‌خانه خوک‌ها

خوک‌ها پیش از انتقال به سلاخ‌خانه، با جریان الکتریسیته بیهوش می‌شوند، و استفاده از الکتریسیته برای این کار باعث می‌شود آنها به حمله‌های سریع دچار شوند. معمولاً برای آنکه عمل بی‌هوشی درست انجام شود، ناچار می‌شوند بیش از یک بار به حیوان شلیک کنند، و این عمل باعث درد و رنج فراوان برای حیوان می‌شود. تمپل گرندین در مقاله‌ای با عنوان «بی‌هوش کردن الکتریکی خوک‌ها و گوسفندها» نوشته است:

«برای بی‌هوش کردن به شیوه‌ای فوری و بدون درد، لازم است که جریان برق با شدت کافی و به صورت مستقیم به مغز حیوان وارد شود تا آنکه حیوان دچار صرع شود. برق با آمپراژ ناکافی یا ناموفق در راه یافتن به مغز، باعث می‌شود حیوان درد را احساس کند. دچار شوک الکتریکی شود، یا دچار علائم سکته قلبی شود، هر چند که فلج شده و قادر به حرکت نیست»³⁵

ذبح به روش حلال و کوشر

بنا بر قوانین شرعی ذبح حلال و کوشر، حیوانات باید در زمان بریده شدن گلوی‌شان هوشیار باشند. در ذبح کوشر، باید فقط یک برش در گلوی گاو ایجاد کرد، و پس از آن حیوان را رها کرد تا آنقدر خون‌ریزی کند تا بمیرد. اما یک بازرسی مخفیانه که از بزرگ‌ترین سلاخ‌خانه کوشر در پوستویل آیوا تهیه شده بود نشان داد که کارگران چندین شکاف در گلوی حیوان ایجاد می‌کنند. فقط چند ماه پیش از این که این فیلم منتشر شد، این سلاخ‌خانه از طرف مقامات مورد بازرسی قرار گرفته بود و توانسته بود نمره قبولی بگیرد. تمپل گرندین در مورد این بازرسی گفت: «کاملاً مشخص است که آنها وقتی فکر می‌کنند کسی نمی‌بیندشان، مرتکب کارهای بد می‌شوند»³⁶. بحث‌های زیادی در این مورد در جریان است که آیا ذبح به شیوه اسلامی یا کوشر، آنطور که ادعا می‌شود می‌تواند حیوان را در دو ثانیه، از درد و رنج خلاص کند؟ در یک مقاله منتشر شده در NewScientist.com گزارش شده است که گوساله‌ها (که سرعت خون‌ریزی در آنها از گاوهای بالغ کمتر است) در هنگام ذبح حدود دو دقیقه درد می‌کشند³⁷. از تمام کسانی که بنا بر قوانین کوشر تغذیه می‌کنند، دعوت می‌کنیم فیلم تهیه‌شده توسط PETA را که در دنباله آن روش درست ذبح کوشر هم ضمیمه شده است، تماشا کنند. مشخص است که گاوها، حتی در زمانی که به روش صحیح کوشر ذبح می‌شوند، باز هم درد می‌کشند³⁸.

ماهی‌ها و بقیه جانداران دریایی

به گفته متخصصان، ماهی‌ها دارای ساختاری هستند که به گیرنده‌های درد در انسان‌ها و سایر حیوانات شباهت دارد، اما هنوز در این مورد که آیا ماهی‌ها هم درد می‌کشند یا خیر، توافقی وجود ندارد. تحقیقات نشان داده‌اند که ماهی‌ها با تغییر رفتار، به درد واکنش نشان می‌دهند و از همین می‌شود نتیجه گرفت که آنها در برابر آزار و اذیت حساس هستند. بهتر است در مورد ماهی‌ها جانب احتیاط را رعایت کنیم، خصوصاً از

این جهت که آنها هم به روش‌های غیرانسانی پرورش داده شده، گرفته و کشته می‌شوند. تمام این جانداران، که شامل لابسترها، خرچنگ‌ها، و میگوها می‌شوند، با تمام توان برای نجات جان خود می‌جنگند.

تورهای ترال کفروب صدها هزار جاندار را از کف اقیانوس به بالا می‌کشد، در حالی که این جانداران چنان به دیواره‌های تور فشرده می‌شوند که چشم‌هایشان بیرون می‌زند و از کاسه سرشان خارج می‌شود. ماهی‌های صید شده در تور، ساعت‌ها به همین شکل در داخل آب معلق می‌مانند، و زمانی که تور از آب بیرون کشیده می‌شود، محیط اطراف‌شان دچار افت فشار می‌شود. تغییر ناگهانی در فشار محیط اطراف باعث پاره شدن کیسه شنا و بیرون زدن چشم‌های ماهی‌ها از حدقه می‌شود، و باعث می‌شود نای و معده آنها از دهان‌شان بیرون بزند.

در صنعت شیلات از تورهای شناور سطحی هم استفاده می‌شود، این تورها عامل کشته شدن ده‌ها هزار پستاندار دریایی مثل دلفین‌ها، وال‌ها، سمورهای دریایی، خوک‌های دریایی و شیرهای دریایی در سال هستند، و علاوه بر این جاندارانی را که غذای این پستانداران محسوب می‌شوند، صید می‌کنند.

تغییرات کند

قوانین اندکی برای حمایت از حیوانات دامداری‌ها وجود دارند، و بعضی از حیوانات، مثل طیور در حیطه شمول قوانینی که برای ذبح حیوانات در سلاخ‌خانه‌ها وضع شده است، قرار نمی‌گیرند. اصولاً منافع دامپروری در تضاد با قوانین وضع شده برای این کار قرار دارد، و فعالان این حوزه با تمام توان می‌کوشند جلوی هر عملی را، که بتواند اوضاع را کمی به نفع حیوانات اصلاح کند، بگیرند. آنها از قدرت سیاسی زیادی برخوردارند و اکثر قوانینی که در حمایت از حیوانات دامپروری‌ها وضع می‌شود، باید مورد تأیید هیئتی قرار بگیرد که اعضای آن قانونگذاران منتخب از سوی حوزه‌های کشاورزی و دامپروری هستند، یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از مزایای این صنعت سود می‌برند.

جای خوشحالی دارد که در چند سال اخیر و در اثر فعالیت‌های فعالان حقوق حیوانات، تغییرات کوچکی در عملکرد بخش دامپروری ایجاد شده است. مثلاً از سال ۱۹۹۴، داغ کوبیدن بر روی صورت دام‌ها ممنوع شده است. در بعضی ایالت‌ها، افراد با حق رأی خود تلاش کرده‌اند تا بعضی از رفتارهای بی‌رحمانه نسبت به حیوانات غیرقانونی اعلام شود. دیگر **United Egg Producers** برای افزایش میزان تخمگذاری مرغ‌ها روش‌هایی مثل گرسنه نگهداشتن مرغ‌ها برای دو هفته را توصیه نمی‌کند، و بیشتر

کشاورزان هم دیگر از این روش استفاده نمی‌کنند (اگرچه هنوز عده زیادی از این روش استفاده می‌کنند). در سال ۲۰۰۹ بریدن دم گاوها (قطع کردن تکه‌ای از دم آنها بدون استفاده از داروی بی‌حسی) در کالیفرنیا ممنوع اعلام شد. تمپل گرندین در گزارش سال ۲۰۰۸ خود اعلام کرد که ده سلاح‌خانه محل کشتار خوک، توانسته‌اند به استاندارد رعایت بی‌هوش کردن تمام خوک‌ها برسند.

اما با توجه به گستردگی و عادی بودن خشونت در دامپروری‌ها، و قدرت صنایعی که حتی از کوچک‌ترین اصلاحات در این زمینه جلوگیری می‌کنند، هنوز تا انجام تغییرات بزرگ که به نفع تمام حیوانات دامداری‌ها باشد، راه درازی مانده است. بدرفتاری با حیوانات بخش جدایی‌ناپذیر صنعت دامداری است. اریک مارکوس، فعال قدیمی و یکی از نویسندگان سایت vegan.com این معنا را چنین بیان کرده است:

«خیلی از این به اصطلاح «خراب‌کاری» هایی که در فیلم‌ها می‌بینید، نه نتیجه بی‌قابلیتی کارگر است و نه ظلم عامدانه، بلکه از طرح کلی دامداری و شیوه‌های انجام کار نشأت می‌گیرد. این خشونت‌ها در بطن سیستم دامپروری جای دارند، و کل صنعت دامپروری را در بر می‌گیرند. به همین دلیل است که در تمام فیلم‌هایی از این بازرسی‌ها دیده‌ام، شاهد همان تصاویر وحشتناک همیشگی هستیم.

مثلاً با در نظر گرفتن تعداد مرغ‌هایی که در ساختمان‌های رایج مرغداری‌ها نگهداری می‌شوند، شکل قفس‌ها و کمبود کارگر، می‌بینید که نتیجه خواه‌ناخواه به همان چیزی ختم می‌شود که در فیلم‌ها می‌بینید، یعنی تعداد بی‌شمار حیوانات که در قفس‌هایشان گیر افتاده‌اند، یا بدون هیچ درمانی از بیماری رنج می‌برند.

نکته اصلی اینجاست که اگر شرکتی بخواهد به تنهایی و با افزایش استانداردهای رفاهی برای حیوانات با این شرایط مقابله کند، چون که خواه‌ناخواه ناچار به کار کردن در این سیستم پرورش دام است، دچار زیان‌های مالی عظیمی خواهد شد. به این ترتیب نمی‌تواند با شرکت‌های دیگر رقابت کند، و از گود رقابت کنار گذاشته خواهد شد.

به این ترتیب اگرچه مقصر دانستن ناظران و مدیران شرکت‌ها کار آسانی است، و حقیقتاً بعضی از کارگران مشغول به کار در دامداری‌ها انسان‌های

سنگدلی هستند، باید بگوییم که ریشه مشکل در جای دیگری است. همه دامداری‌ها، از اساس بر مبنای بی‌رحمی تشکیل شده‌اند، و این بی‌رحمی از میان برداشته نمی‌شود مگر اینکه تمام این صنعت از اساس دگرگون شود.

اگر صنعت دامپروری بخواهد از به وجود آمدن صحنه‌هایی که در این فیلم‌ها دیده‌ایم جلوگیری کند، باید در آینده نظامی طراحی کند که در آن به هر حیوان فضای بیشتری اختصاص داده شود، از جابجایی حجم زیاد حیوانات و انتقال شتاب‌زده آنها به سلاخ‌خانه‌ها جلوگیری شود، و کارگران بیشتر برای رسیدگی به تعداد کمتر حیوانات به کار گمارده شوند. خلاصه آنکه همان اقتصادی که سعی می‌کند قیمت محصولات حیوانی را پایین نگه دارد، مسئول به وجود آمدن صحنه‌هایی است که فیلم‌های ما از آنها پرده برداشته‌اند.

به وجود آمدن چنین صحنه‌هایی نتیجه نظارت ناکافی نیست. صنعت دامپروری برای متوقف کردن بی‌رحمی‌هایی که در این حوزه اتفاق می‌افتد، چاره‌ای ندارد جز آنکه برای پرورش هر حیوان مقدار بیشتری پول خرج کند، و سیستمی را برقرار کند که هیچ شرکتی در این حوزه نتواند از قوانین سرپیچی کند. تا آن زمان، باز هم شاهد چنین صحنه‌ها و فیلم‌هایی خواهیم بود»³⁹.

جایگزین‌های ممکن برای دامداری‌های صنعتی

دامداری‌های صنعتی، مشکلات متعدد دیگری هم مانند گرمایش کره زمین و اختلال در سلامت غذایی به وجود می‌آورند که بحث از آنها در حوزه این کتاب نمی‌گنجد. بر همه ما واضح است که دامداری صنعتی به دلیل دامن زدن به مشکلاتی مثل بدرفتاری با حیوانات، تأثیر منفی بر محیط‌زیست و سلامت انسان‌ها، باید از میان برداشته شود. این سوال پیش می‌آید که آیا گزینه‌ای انسانی‌تر برای افرادی که میل دارند به گوشت‌خواری ادامه دهند وجود دارد یا خیر.

برچسب‌هایی روی بعضی از مواد غذایی دیده می‌شوند که می‌گویند این محصول از حیوانی به دست آمده که تحت شرایطی بهتر از آنچه در دامداری‌ها حکم است، پرورش داده شده است. از این برچسب‌ها می‌شود به

انواعی مثل «انسان دوستانهⁱ»، «تماماً طبیعیⁱⁱ»، «آزادگردⁱⁱⁱ» و «ارگانیک» اشاره کرد. حتماً شگفت‌زده می‌شوید اگر بشنوید که محصولاتتی که این برچسب‌ها را بر خود دارند، از حیواناتی به دست آمده‌اند که در دامداری‌های صنعتی پرورش یافته‌اند در و همان سلاخ‌خانه‌هایی که ذکرشان رفت کشته شده‌اند. مثلاً شرکت محصولات لبنی ارگانیک Vermont، یکی از مشتریان همان سلاخ‌خانه‌ای است که فیلم‌های مرتبط با بدرفتاری با گوساله‌های شیری در آن تهیه شده بود.

در سال ۲۰۱۰، موسسه Cornucopia که کار آن نظارت بر عملکرد مزرعه‌های ارگانیک است، مطلبی با عنوان «تخم‌مرغ نیمرو: تمایز مرغداری‌های تولیدکننده تخم‌مرغ از دامپروری حقیقتاً ارگانیک» منتشر کرد. این گزارش بر اساس مشاهدات جمع‌آوری شده از ۱۵ درصد مرغداری‌های تولیدکننده تخم‌مرغ که از USDA مجوز «ارگانیک» گرفته بودند، و بررسی تمام نام‌ها و مارک‌ها، و شرکت‌های خصوصی تولیدکننده تخم‌مرغ تنظیم شده بود. بر اساس استاندارد تولید ارگانیک، حیوانات باید در فضای آزاد پرورش پیدا کنند، و مرغ‌های تخمگذار هم شامل این قاعده می‌شوند، در حالی که بر اساس این گزارش «بیشتر این تولیدکننده‌ها در ابعاد صنعتی کار می‌کنند و ده‌ها هزار مرغ را در داخل مرغداری‌ها حبس می‌کنند. «فضای باز» این مرغ‌ها صرفاً یک محوطه کوچک و سرپوشیده با کف سیمانی یا چوبی است، و به این ترتیب سر و ته قضیه را هم می‌آورند. حتی گاهی این تولیدکننده‌ها با گرفتن توصیه دامپزشکان در مورد امکان ابتلای مرغ‌هایشان به بیماری‌های فرضی، عذر و بهانه لازم را بدست آورده‌اند و به مرغ‌هایشان هرگز اجازه گشتن در فضای آزاد نداده‌اند» (تأکیدها از ماست)

مارک ای. کستل، یکی از مدیران موسسه Cornucopia و تحلیل‌گر ارشد سیاست‌های دامداری گفته است: «مسلماً خیلی از تخم‌مرغ‌های موجود در بازار، به جای مهر گواهی ارگانیک USDA را بر خود داشته باشند، باید برچسب «تولید شده با تغذیه ارگانیک» بر آن‌ها زده شود».

i humane

ii All natural

iii Free range

در اکثر محصولات که روی برچسب آنها عبارت «تولید شده به شیوه انسان دوستانه»ⁱ می بینید، بی رحمی و بد رفتاری با حیوانات در زیر این برچسب خوش ظاهر پنهان شده است. ممکن است در مزرعه های آزادگرد محل تولید لبنیات با گاوها بهتر از جاهای دیگر رفتار شود، اما در آنجا هم گوساله ها به محض تولد از مادرشان جدا می شوند و برای تهیه گوشت گوساله شیری به سلاخ خانه ها فروخته می شوند. شاید مرغ های موجود در مرغداری های بدون قفس بتوانند آزادانه بال های شان را باز کنند، اما آنها هم زندگی شان را، در محیطی شلوغ به همراه ده ها هزار مرغ دیگر در یک انبار بی پنجره سپری می کنند. در آنجا هم جوجه های نر به محض تولد کشته می شوند و منقار جوجه های ماده چیده می شود. در بالاخره آنها هم به همان سلاخ خانه هایی منتقل می شوند که مقصد نهایی مرغ های نگهداری شده در قفس است.

می توانید برای آگاهی بیشتر از این برچسب های رنگارنگ و معنای واقعی آنها به گزارش Farm Sanctuary با عنوان «حقیقت پشت برچسب های تجاری»ⁱⁱ مراجعه کنید. تنها یک روش برای آگاه شدن از شرایط زندگی حیواناتی که تخم مرغ، شیر و گوشت مصرفی شما را تولید می کنند وجود دارد، و آن اینست که به دامداری هایی که در آن زندگی می کنند، و سلاخ خانه هایی که در آن جان می سپارند، سر بزنید.

راه حل بهتر: وگن شوید

اگر با وضع قوانین جلوی تعدادی از بدترین انواع بی رحمی به حیوانات در دامداری های صنعتی گرفته شود، قیمت این محصولات افزایش پیدا خواهد کرد و از مصرف آنها کاسته می شود. این تأثیر بر غذاهای تهیه شده از حیوانات می تواند در کاستن از قدرت و نفوذ صنعت دامداری موثر باشد، و این امر چه از جهت حمایت از حقوق حیوانات و چه از جهت پایان بخشیدن به بی رحمی های دامداری صنعتی، گام بزرگی است.

اما موثرترین و قدرتمندترین روش برای پایان دادن به دامداری صنعتی، حذف تقاضا است. و تنها شیوه برای انجام آن اینست که سبک زندگی وگن را انتخاب کنید. اندیشیدن به مصائب حیوانات در دامداری ها غم انگیز است، اما حتی فکر کردن به اینکه شما می توانید در این شکنجه سهم نباشید، انگیزه بخش است چرا که

i humanely produced

ii «The Truth Behind the Labels»

با انتخاب سبک زندگی و گن می‌توانید در اقدام علیه نگهداری حیوانات در دامداری‌ها، و درد و رنج ناشی از آن مؤثر باشید.

آیا حیوانات حقوقی دارند؟

افرادی که به دلیل داشتن دغدغه‌های اخلاقی نسبت به حیوانات سبک زندگی و گن را انتخاب می‌کنند، ممکن است مباحث فکری متفاوتی داشته باشند. بعضی معتقدند که هرگونه استفاده از حیوانات به درد و رنج آنها می‌انجامد و به همین دلیل تنها شیوه انسانی و اخلاقی را در دوری از تمام محصولات حیوانی می‌دانند. بعضی دیگر به دیدگاه جمعیت طرفداران رفتار اخلاقی با حیواناتⁱ (Peta) به حقوق حیوانات متمایل هستند که در دهه ۱۹۸۰ با این شعار شکل گرفت که «حیوانات به ما تعلق ندارند تا آنکه آنها را بخوریم، بپوشیم یا روی‌شان آزمایش کنیم». یا به عبارت دیگر معتقدند که فارغ از اینکه با حیوانات درست رفتار شود یا نه، ما حق نداریم از آنها در جهت منافع خود استفاده کنیم.

هر دو دیدگاه می‌توانند در جهت هدف حذف درد و رنج حیوانات سودمند باشند. اما ما اعتقاد داریم که دلایل بیشتری برای گرویدن به دیدگاه دوم وجود دارد و منطقاً می‌شود حقوق بشر را گسترش داد تا آنکه حقوق حیوانات هم در شمول آن بگنجد.

اخلاق مبتنی بر حقوق بشر ایجاب می‌کند که هیچ انسانی، نه فقط انسان هوشمند، که حتی کودکان، نوزادان و همچنین کسانی که معلولیت ذهنی دارند، نباید در جهت اهداف و منافع دیگران، هر هدف و منفعتی که باشد، مورد استفاده قرار بگیرد. سوال اینجاست که آیا می‌شود این حقوق را برای حیوانات هم قائل شد؟ این استدلال که اگر انسان‌های دارای عقب افتادگی ذهنی یا هوش کمتر را برخوردار از حقوق می‌دانیم، پس باید این حقوق را برای حیوانات هم قائل باشیم، به برهان موارد حاشیه‌ایⁱⁱ معروف است. اگر هوشمندی و قابلیت معیار برخورداری از حقوق نباشند، پس چرا باید حیوانات که از قابلیت احساس درد و ترس برخوردارند، از حوزه ملاحظات اخلاقی حذف شوند؟ بعضی از فیلسوفان برهان موارد حاشیه‌ای را رد می‌کنند، اما هرگز نشنیده‌ایم که هیچ‌کدام از آنها دلایل معقولی برای رد این برهان ارائه کرده باشند.

iPeople for the Ethical Treatment of Animals

iiArgument from marginal cases

حیوانات در دامداری‌های امروزی، به تعداد خیلی زیاد و در مکان‌های خیلی بزرگ نگهداری می‌شوند، به همین دلیل در هنگام وقوع بلایای طبیعی هیچ راهی برای نجات آنها نیست. در زمان وقوع آتش‌سوزی، سیل یا گردباد این حیوانات محکوم به سوختن، غرق شدن یا دچار شدن به آسیب‌ها و جراحات عمیق‌اند. در دو سال اخیر صدها هزار رأس از حیوانات موجود در دامداری‌ها قربانی این حوادث تأسفبار شده‌اند. مثلاً در سال ۲۰۱۰، زمانی که به دلیل قطع برق ناگهانی در کارولینای شمالی، دستگاه‌های تنظیم کننده دمای مرغداری‌ها از کار افتادند، ۶۰۰۰۰ مرغ موجود در این مرغداری‌ها در اثر گرما تلف شدند. یک سال پیش از آن هم در اثر خرابکاری در سیستم سرمایشی یک دامداری در آیوا، ۴۰۰۰ رأس خوک تلف شدند. در یک مرغداری در تگزاس ۸۰۰۰۰۰ مرغ در آتش سوختند. از این نمونه مرگ‌های وحشتناک و دردناک حیوانات که توسط آتش‌سوزی، سیل و تصادف کامیون‌های باری به وجود آمده است، می‌شود مثال‌های متعددی را آورد.

روا داشتن عدالت در حق حیوانات

جان رالز در کتاب خود با عنوان «نظریه عدالت» نوعی فلسفه اخلاقی مبتنی بر یک «وضع نخستین» فرضی را پیشنهاد می‌کند. بر اساس تعریف رالز، فردی که قوانین اخلاقی یک جامعه را تدوین می‌کند، این کار را بدون پیش‌آگاهی نسبت به وضعیت افرادی که در این جامعه وجود خواهند داشت، انجام می‌دهد. پس کفایت خود را در این وضعیت نخستین قرار بدهید: شما تصمیماتی در مورد کسانی که منافع‌شان گرامی شمرده می‌شود، اتخاذ می‌کنید؛ بی‌آنکه بدانید رنگ پوست خود شما چه خواهد بود، یا آنکه ممکن است معلول ذهنی، مونث یا مذکر، یا حتی یک گاو یا مرغ یا درخت یا سنگ باشید.

بهترین و مطمئن‌ترین راه برای حفاظت از منافع خود شما در این است که به منافع همه افراد به طور مساوی توجه داشته باشید. در چنین حالتی ترجیح می‌دهید که همه چیز را تا حد امکان به عادلانه‌ترین شکل ممکن توزیع کنید. خوب می‌شود نیازهای یک سنگ را نادیده گرفت، چون سنگ به چیزی نیاز ندارد. گیاهان هم کمابیش مشابه سنگ هستند، و از مغز یا احساس درد بی‌بهره‌اند. بنابراین دلیلی ندارد نگران قطع عضو باشند یا از آن رنج ببرند. (آیا کسی پیدا می‌شود که معتقد باشد کوتاه کردن چمن‌ها باعث می‌شود چمن به همان میزان دردی دچار شود که قطع یکی از اعضای بدن انسان یا حیوان ایجاد می‌کند؟)

ما هنوز به تمامی نیازهای حیوانات را نمی‌شناسیم، با اینحال می‌دانیم که آنها درد و ترس را حس می‌کنند. آیا این دلیل کافیست که منافع آنها را محترم بشماریم؟ اگر خود را در وضع نخستین قرار بدهید و بدانید که ممکن است به صورت یک گاو یا خوک آفریده شوید، آنگاه منافع این حیوانات را هم محترم خواهید شمرد.

تکلیف افراد بومی که برای زنده ماندن ناچارند از گوشت شکار استفاده کنند چه می‌شود؟

اگر کسی ناچار باشد برای زنده ماندن دست به کشتار بزند، آیا او را مقصر خواهید دانست؟ احتمالاً نه، اما زنده ماندن تنها دلیل مشروع برای گرفتن جان دیگران است. توسل به سنت و فرهنگ برای توجیه کشتن حیوانات، استدلال خوبی نیست، و هر کسی که با قربانی کردن انسان مخالف باشد، مسلماً با این نکته موافق خواهد بود. همچنین عذر اینکه کشتن حیوانات طبیعی است، از وزن و اعتبار برخوردار نیست، چون دشوار بشود گفت که چه چیز طبیعی است و چه چیز طبیعی نیست، و افراد چندانی هم مایل به زندگی در وضع طبیعی نیستند.

این استدلال‌ها، باعث می‌شوند از خود بپرسیم که آیا ما حق داریم از حیوانات، حتی زمانی که به آنها نیاز نداریم، استفاده کنیم در حالی که، چنان که در این کتاب دیدیم، با استفاده از یک رژیم و گن می‌توانیم از منابع خوراکی دیگری که در دسترس، سلامت و دلپذیر هم هستند، لذت ببریم.

1PETA investigation of Aviagen Turkeys Inc.: <http://www.peta.org/mc/NewsItem.asp?id=12245>.

2Ian Duncan, "Animal Welfare Issues in the Poultry Industry: Is There a Lesson to Be Learned?" *Journal of Applied Animal Welfare Science* 4, no. 3 (2001): 207–21.

3A. B. Webster, "Welfare Implications of Avian Osteoporosis," *Poultry Science* 83 (2004): 184–92.

4Compassion Over Killing investigation of Michael Foods: <http://www.cok.net/inthenews/releases/?pr=dunkincruelty-farm-investigation>.

5Mercy For Animals investigation of Quality Eggs: <http://www.mercyforanimals.org/maine-eggs/>

6Mercy For Animals investigation of Norco Ranch: http://www.upc-online.org/battery_hens/101608norco.html.

7Duncan, "Animal Welfare Issues in the Poultry Industry," 207–21.

8L. A. Gustafson, H. W. Cheng, J. P. Garner, E. A. Pajor, and J. A. Mench, "The Effects of Different Bill-Trimming Methods," *Poultry Science* 86 (2007): 1831–39.

9Duncan, "Animal Welfare Issues in the Poultry Industry," 207–21.

10PETA investigation of Aviagen Turkeys Inc.: <http://www.peta.org/mc/NewsItem.asp?id=12245>.

11Duncan, "Animal Welfare Issues in the Poultry Industry," 207–21.

12Compassion Over Killing investigation of Hudson Valley Foie Gras: <http://www.cok.net/feat/hudsonvalley.php>.

13E. A. Pajor, "Group Housing of Sows in Small Pens: Advantages, Dis - advantages and Recent Research," in *Proceedings: Symposium on Sow Housing and Well-being*, Des Moines, IA, June 5, 2002, ces.purdue.edu/pork/sowhousing/swine_02.pdf.

14Highlights of Swine 2006 Part III: Reference of Swine Health, Productivity,

and General Management in the United States, 2006, Animal and Plant Health Inspection Service, USDA, March 2008, http://www.aphis.usda.gov/animal_health/nahms/swine/index.shtml.

15Ibid.

16PETA investigation of Murphy Family Ventures: <http://www.foxnews.com/story/0,2933,316624,00.html>.

17PETA investigation of Hormel: <http://www.peta.org/b/thepetafiles/archive/2008/10/22/22-charges-filed-based-on-peta-investigation-at-hormel-supplier.aspx>.

18Mercy For Animals investigation of Country View Family Farms: <http://www.mercyforanimals.org/pigs/>.

19USDA National Agricultural Statistics Service Quick Stats: <http://www.nass.usda.gov/QuickStats>.

20PETA investigation of Land O'Lakes: <https://secure.peta.org/site/Advocacy?cmd=display&page=UserAction&id=2515>.

21Mercy For Animals investigation of Willet Dairy: <http://www.mercyforanimals.org/dairy/>.

22Humane Society of the United States Report: "The Welfare of Animals in the Veal Industry," September 5, 2008, <http://www.humanesociety.org/assets/pdfs/farm/hsus-the-welfare-of-animals-in-the-veal-industry.pdf> (accessed November 11, 2009).

23Ibid.

24Humane Society of the United States, "HSUS Investigation Results in Closure of Vermont Slaughter Plant," October 30, 2009, http://www.humanesociety.org/news/press_releases/2009/10/vt_slaughter_plant_investigation_103009.html.

25Compassion Over Killing investigation of transport of animals: <http://www.cok.net/feat/usti.php>.

26Temple Grandin, "Recommended Captive Bolt Stunning Techniques for Cattle, www.grandin.com/humane/cap.bolt.tips.html (accessed October 28, 2009).

27Kurt Vogel and Temple Grandin, “2008 Restaurant Animal Welfare and Humane Slaughter Audits in Federally Inspected Beef and Pork Slaughter Plants in the U.S. and Canada,” <http://www.grandin.com/survey/2008.restaurant.audits.html> (accessed October 28, 2009); and Livestock Slaughter 2008 Summary, United States Department of Agriculture: Economics, Statistics, and Market Information System, <http://usda.mannlib.cornell.edu/usda/nass/LiveSlauSu//2000s/2009/LiveSlauSu-03-06-2009.pdf>.

28Grandin, “Recommended Captive Bolt Stunning Techniques for Cattle,” www.grandin.com/humane/cap.bolt.tips.html.

29Joby Warrick, “Modern Meat: A Brutal Harvest,” *Washington Post*, April 10, 2001.

30Jean-Pierre Ruiz, “USDA Veterinarian Testifies Agency Endangers Public Health,” *Seattle Examiner*, March 5, 2010, <http://www.examiner.com/x-9726-Seattle-Pet-Laws-Examiner~y2010m3d6-Veterinarian-calls-for-overhaul-of-USDA-slaughterhouse-rules>.

31USDA Poultry Slaughter 2008 Annual Summary, <http://usda.mannlib.cornell.edu/usda/nass/PoulSlauSu//2000s/2009/PoulSlauSu-02-25-2009.pdf>.

32PETA investigation of Tyson Foods 2004–2005: <https://secure.peta.org/site/Advocacy?cmd=display&page=UserAction&id=1121>.

33PETA investigation of Tyson Foods 2008: <http://www.northcountrygazette.org/2008/01/18/peta-accuses-tyson-of-chicken-abuse/>.

34Mercy For Animals investigation of House of Raeford Farms: <http://newsblaze.com/story/20070601091318rose.nb/topstory.html>.

35Temple Grandin, “Electric Stunning of Pigs and Sheep,” updated June 2008, <http://www.grandin.com/humane/elec.stun.html>.

36Ben Harris, “PETA Says Agriprocessors Misled Rabbis About Slaughter Procedures,” http://www.jewishjournal.com/food/article/peta_says_agriprocessors_misled_rabbis_about_slaughter_procedures_video_200/.

37Andy Coghlan, “Animals Feel the Pain of Religious Slaughter,” *NewScientist*, October 13, 2009, <http://www.newscientist.com/article/dn17972-animals-feel-the-pain-of-religious-slaughter.html?DCMP=OTC-rss&nsref=online-news> (accessed October 15, 2009).

38 "If This is Kosher . . ." narrated by Jonathan Safran Foer, <http://video.google.com/videoplay?docid=-7330038074290819722#>.

39 Feedstuffs on Factory Farm Cruelties, Vegan.com, September 28, 2009, <http://www.vegan.com/blog/2009/09/28/feedstuffs-on-factory-farm-cruelties/>.